



بررسی نقوش دستبافته‌های (پارچه‌های) دوره سلجوقی و ایلخانی

عسل زندداودی*

چکیده: در بررسی جلوه‌های هنر این مرز و بوم، نقش پارچه کمتر در کانون توجه قرار داشته و با ورود روز افزون نقوش پارچه‌های خارجی، نقوش زیبا و اصیل نیاکان ما که مورد توجه کشورهای دیگر بوده فراموش شده و ریشه این امر را می‌توان در عدم شناخت و توجه به محتوا و معنای ارزشهای واقعی این نقوش بدانیم. پژوهش پیش‌رو در تلاش برای رسیدن به شناخت بهتر، نقوش و ریشه‌های مهم تاریخی آنهاست و اینکه چگونه نقوش درگذر تاریخ حفظ شده، تغییر کرده یا از میان می‌رود.

توسعه احیای فرهنگ و هنر اصیل ایرانی در رابطه با نقوش پارچه و استفاده آن در پدیده‌های مدرن هنری با حفظ اصالت آنها و بدست آوردن یک مجموعه اطلاعات جامع و منسجم در مورد نقوش پارچه‌های موجود در آثار گذشتگان و برقراری ارتباط با فرهنگ، عقاید و هنر گذشته ایران از اهداف این پژوهش می‌باشد تا از این طریق بتوان نقوش سنتی و زیبای هنر گذشته را زنده نموده و با شناختن و شناساندن این نقوش، گذشته را به امروز پیوند دهیم.

واژگان کلیدی: سلجوقی، ایلخانی، نقوش پارچه‌ها، بافت و رنگ پارچه‌ها، مراکز پارچه بافی.

◆ مقدمه

عده زیادی از بافندگان چینی به ایران تاثیر سبکها و روشهای تزئینی چین در صنعت نساجی ایران رو به افزایش نهاد. (زکی، ۱۳۶۳، ۲۳۸). به همین دلیل برخی از کارشناسان معتقدند که در دوره ایلخانیان مغول تجدیدی در صنعت نساجی حاصل نشده است و در بافت بعضی از انواع پارچه‌های دقیق، نساجان درست مهارت نیافته‌اند، ولی برخی دیگر اعتقاد دارند این ملاحظات ناشی از نقص صنعت نیست بلکه بر اثر مراعات ذوق و سلیقه عمومی آن دوره است و بدیهی است که منسوجات دوره مغول دارای رنگهای مطبوع و ملایمی بوده و این امتیاز از نتایج تاثیر سبک و روش چینی حاصل شده است (همان، ۲۳۵).

در این مقاله سعی شده، ابتدا به بررسی هنر پارچه بافی دوره سلجوقی و بعد از آن به دوران مختلف ایران عصر میانه (مغول، ایلخانی) پرداخته شود. و در این راستا با ارائه جدول به بررسی و طبقه بندی نقوش پارچه‌ها، بافت آنها، رنگ و نوع پوشاک و مراکز پارچه بافی اشاره شده و سپس بر هم تطبیق داده شدند. تا به میزان اثرگذاری و اثرپذیری آنها پی برده شود.

هنر بافندگی در ایران پیشینه‌ای باستانی داشته و به هزاره‌های پیش از میلاد باز می‌گردد. اما اولین اثر بافت واقعی به شکل اثر نخ‌های بافته شده، متعلق به هزاره پنجم ق.م است که از محوطه باستانی تپه یحیی کرمان بدست آمده است (ریاضی، ۱۳۸۲، ۱۴). این هنر در دوران باستانی از پیشرفت قابل توجهی برخوردار بوده است و در دوران اسلامی نیز هنرمندان از شیوه‌ها و سنت‌های هنری دست بر نداشتند و در حفظ و احیا آن کوشیدند. در این راستا با حمله ترکان سلجوقی به ایران در صنعت نساجی تاثیر فراوان بوجود آمد و در زمان حکومت آنان و جانشینانشان در ایران و عراق و سوریه و آسیای صغیر کلیه صنایع منجمله نساجی رونق فراوان گرفت (ایران‌شهر، ۱۳۴۳، ۱۷۹۷).

اگرچه بافندگی از صناعی است که همیشه در ایران مقامی ارجمند داشته ولی بعضی از محققین عقیده دارند که از بعضی جهات این صنعت در زمان سلجوقیان به منتهی درجه خود رسید (ویلسن، بی تا، ۱۴۲). در دو قرن هفتم و هشتم ه.ق برابر افزایش ورود کالاهای چین و اتساع دامنه تجارت ایران با آن کشور و در نتیجه حملات مغول و آمدن

* کارشناس ارشد گرافیک، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

بافته‌های ایران از دوره‌های پیش از اسلام در جهان باستان از محبوبیت بسیاری برخوردار بوده بعد از ظهور اسلام نیز تا قرن‌ها روش و موضوعات ساسانی مورد استفاده قرار گرفت و صنعت نساجی در زمان سلجوقیان به منتهی درجه رشد و تعالی خود رسید. اگرچه بیش از چندین قطعه پارچه از آن زمان به دست نیامده ولی همین تعداد طرح‌ها و نقش‌های متعددی را نشان می‌دهد که بسیار پر کار بوده و از نظر فنی و هنری در حد بالایی قرار داشته‌اند. ولی بعد از حمله مغول در دوره ایلخانیان، این صنعت تحت تأثیر سبک چینی قرار گرفت. و همچنین تفاوت هنر سلجوقی با دوره‌های قبل استفاده از بندهای نباتی به جای موضوعات تزئینی ساسانی است و به طور کلی محصولات سلجوقی بسیار تأثیرگذار بر شکل‌پذیری الگوهای کلاسیک هنر اسلامی ایران در سرزمین‌های تحت تأثیر آن هنر (از هند تا آسیای صغیر) بوده است.

ولی بعد از حمله مغول در دوره ایلخانیان، عده‌ای از مسلمانان به چین مهاجرت کردند و کلیه این عوامل باعث شد که روش‌های تزئینی چینی در صنعت نساجی ایران رسوخ کند در نتیجه هنرمندان ایرانی بنا به شرایط زمان و بدون در نظر گرفتن مفاهیم سمبولیک آنها، شروع به استفاده از نقوش چینی کردند. و بدیهی است که منسوجات دوران مغول و ایلخانیان دارای رنگ‌های مطبوع و ملایمی بوده که این امتیاز از نتایج تأثیر سبک و روش چینی حاصل شده است. علاوه بر آن، با توجه به این که مولفه‌هایی چون تجرید، ایجاز، زیباشناسی ابعاد هنرهای تجسمی، نمادگرایی در نقوش پارچه‌های دوران اسلامی تا دوران ایران عصر میانه (مغول، ایلخانی و...) به بهترین نحو ممکن رعایت شده است، این نشانگر قدرت، توانایی و همچنین تحول هنر ایران زمین می‌باشد. بررسی همه جانبه این نقوش، این امکان را تحقیق می‌بخشد که هنرمندان در آثار خود بار دیگر به این شاخص‌ها توجه کرده و از آن بهره ببرند.

◆ پی نوشت

- ۱- Siqlatoun: پارچه ابریشمی زربفت که در بغداد و ارمنستان به مقدار زیادی تهیه می‌شد.
- ۲- گنبد قابوس کنونی
- ۳- به دلیل کم بودن منابع تصویری در این زمینه و قدیمی بودن، نهایت وضوح و کیفیت تصاویر بدین صورت می باشد.
- ۴- Taraz: نوعی پارچه با حاشیه‌ای مشتمل بر علامت یا نوشته به صورت بافته یا گلدوزی شده که بصورت کتیبه نویسی تزئینی و حاشیه اندازی با سوزن دوزی بر کنار پارچه‌هاست را طراز گویند.

- ۵- Sphinx: چنین طرحی که سر آدم و بدن حیوان دارد ابوالهول گویند.
- ۶- Zandaniji: از نام قریه زنده در بخارا مشتق می شود.
- 7- Feng- huang
- 8- Kh-i-lins

◆ فهرست منابع

- ۱- اتینگهاوزن، شراتو. بمباجی، تاریخ هنر ایران، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، نشر مولی، ۱۳۷۶.
- ۲- اکرم، فیلیس، نساجی ایران (بافته‌های دوره نخستین اسلام و زمان سلجوقی)، ترجمه: زریندخت صابر شیخ، فروهر نورماه، تهران، انتشارات سازمان صنایع دستی ایران، ۱۳۶۲.
- ۳- ایرانشهر، تهران، نشر کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۳.
- ۴- بهشتی پور، مهدی، تاریخچه صنعت نساجی ایران، جلد اول، تهران، نشر اکونومیست، ۱۳۴۳.
- ۵- پوپ، آرتور اپهام، شاهکارهای هنر ایران، پرویز ناتل خانلری، تهران، نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۶- چیت‌ساز، محمدرضا، تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- ۷- حسن بیگی، محمدرضا، مروری بر صنایع دستی ایران، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۶۵.
- ۸- حقیقت، عبدالرفیع (رفیع)، تاریخ صنعت نساجی ایران از کهنترین زمان تاریخ تا پایان دوره قاجاریه از مانی تا کمال‌الملک، نشر مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۹.
- ۹- دیمانند، م.س، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه: دکتر عبدالله فریار، تهران، چاپ دوم، نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- ۱۰- ریاضی، محمدرضا، طرح‌ها و نقوش لباس‌ها و بافته‌های ساسانی، تهران، نشر گنجینه هنر، ۱۳۸۲.
- ۱۱- زکی، محمدحسن، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه: محمدعلی خلیلی، تهران، نشر اقبال، ۱۳۶۶.
- ۱۲- زمانی، عباس، تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳.
- ۱۳- فریه، ردلیو، هنرهای ایران، ترجمه: پرویز مرزبان، تهران، نشر و پژوهش فروزان روز، ۱۳۷۴.
- ۱۴- کونل، ارنست، هنر اسلامی، ترجمه: هوشنگ طاهری، تهران، نشر توس، ۱۳۶۸.
- ۱۵- متین، پیمان، پوشاک ایرانیان، تهران، نشر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ۱۶- مصطفوی، سیدمحمد تقی، بنای تاریخی بقعه بی بی شهر بانو در ری، گزارش‌های باستان شناسی، انتشارات اداره کل باستان‌شناسی، ۱۳۴۴، بی تا.
- ۱۷- ویلسن، ج. کریستی، تاریخ صنایع ایران، ترجمه: عبدالله فریار، تهران، نشر یساولی، بی تا.



A study of the designs of textiles in Seljuk and Ilkhanid dynast

Asal Zand davoodi

M.A. in Graphic design School of art and architecture, Islamic Azad University, Central branch

In the art of this country, design of textiles has rarely been the main focus of the society. Due to dramatic growth in imported overseas designs, elegant and well-born designs of our ancestors are disappearing. A main reason for this phenomenon can be the misconceptions and lack of knowledge about the great value of these designs. This research introduce the mentioned designs as well as their historic roots and also expresses how these designs have changed, remained or even disappeared through the ages. The main purpose of this fundamental - applied research is development of authentic art and culture of Persia in designs of textile and their usage in modern artistic phenomenon. Furthermore this research tries to gain comprehensive information on ancestors' design of textiles and believes that by a link through culture and art of the ancient Persia it is possible to renew old historic designs. In addition by understanding and presenting these designs we can pass through the ages.

Keywords: Seljuk, Ilkhanid, Designs of textile, Texture sand color of textile, Weaving centers (Textile factories)

Naturalistic design in decorations of The Maasoumeh shrine in Qom

Seyyed Mohammad Hussein Rahmati

Member of academic board of Kashan University

Cooperation between western and Iranian culture in Qajar era cause the affects of western culture on Iranian art that could see in different aspects. Iranian architecture with many works in interior design and decorations is not expected from these affect. One of these affects could see in architectural decorations. Pictures and designs have no place in Iranian visual traditions exceptionally in short periods. But some of those compatible with public taste used in traditional architectural decorations on this era. Religious places like Maasoumeh shrine in Qom is one of the most important buildings of this era and a good example for study on this issue.

Keywords: Architectural decorations, The holy Maasoumeh shrine, Naturalism, Qom, Qajar art